در «قفسه‌کتاب» جام جم بخوانید:

کتاب‌هایی درباره سینما

گزارش ویژه از روند انتخاب سرمربی تیم ملی والیبال

آلکنو به ایران می‌آید؟

۴

جام جم

www.jamejamdaily.ir

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۹ محرم‌الحرام ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۵۰ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - September 8, 2020

رئیس مجمع خیرین استان تهران می‌گوید امسال نسبت به سال گذشته کمک‌های مردمی ۴۰۰ درصد بیشتر شده‌است

کمک مومنانه ۱۰۰۰ میلیاردی شد

۱۸

ویژه‌ها

اگر دوست دارید مجری تلویزیون شوید اما نمی‌دانید چگونه، این گزارش را بخوانید

چگونه «مجری» شویم؟

۶

گزارش تصویری از رفتار متکبرانه روسای جمهوری آمریکا با سران کشورها

سیاست تحقیر حداکثری

انتشار عکسی از دیدار رئیس جمهور صربستان با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در کاخ سفید به سوژه داغ رسانه‌ها در روزهای اخیر تبدیل شده است. در این عکس، الکساندر ووچیچ، رئیس جمهور صربستان روی یک صندلی در وسط اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید نشسته و دونالد ترامپ با تکبر پشت میز بر روی مبل خود لم داده است. این عکس آن‌قدر تحقیرآمیز بود که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت...

۲

سید جعفرالحسینی، سخنگوی کتائب حزب‌ا...

در گفت‌وگوی اختصاصی با جام جم:

حتی یک آمریکایی نباید در عراق بماند

۸

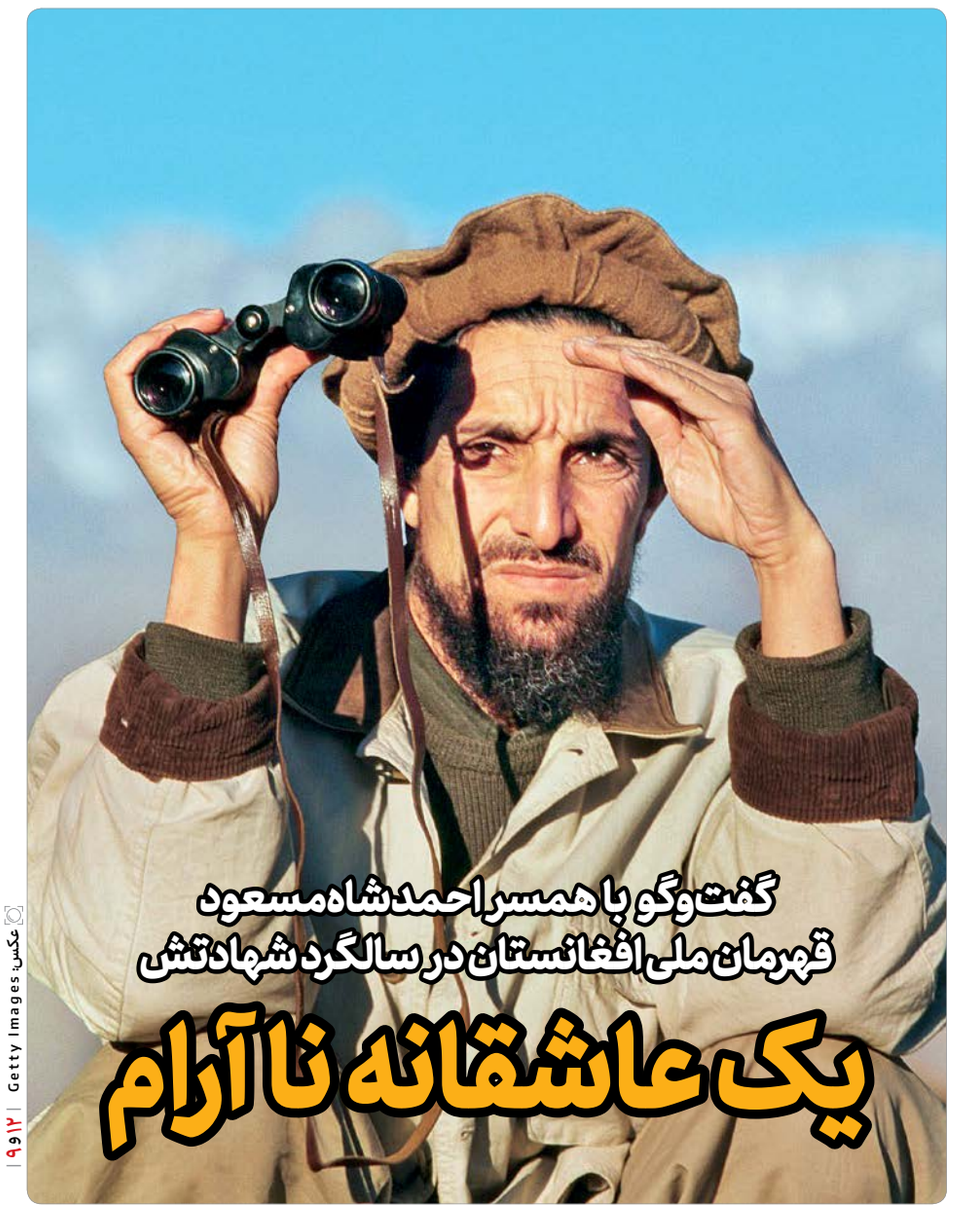

عکس: Getty Images | ۹۹۱۲

گفت‌وگو با همسر احمدشاه مسعود
قهرمان ملی افغانستان در سالگرد شهادتش

یک عاشقانه ناآرام

بیشتر بخوانید

مدیریت غلط باعث شده با وجود تولید بالای زعفران نتوانیم صادرات مناسبی داشته باشیم

روزگار سیاه طلای سرخ

۳

پروژه بزرگ گردشگری تله‌سیژ مشگین‌شهر پس از ۲۰ سال هنوز در ابتدای راه است

آبادی به شرط تخریب

۱۶

جزئیات غرق شدن مرموز ۳ جوان در ساحل محمودآباد

چالش مرگ در دریا

۱۹

کافه میرداماد

گفت‌وگو با سجاد سالاروند درباره موفقیت‌هایش در دوران معلولیت

برای شناختنم با من بدو

۲۰

یادداشت

خودبرتربینی آمریکایی‌ها

محمدحسن قدیری‌ابیانه

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اصولا آمریکایی‌ها اعم از دموکرات و جمهوریخواه احساس خودبرتربینی نسبت به سایر ملل دارند و این ویژگی‌ها نه‌تنها شامل دولتمردان آمریکایی است بلکه این حس به مردم این کشور هم منتقل شده و شهروندان آمریکایی خودشان را برتر از سایر ملت‌ها می‌دانند و این حق را به خود می‌دهند که برای سایر کشورها تعیین تکلیف کنند.

منفعت‌اندیشی و خودبرتربینی، چنان در وجود فرهنگ آمریکایی رخنه کرده که اگر مثلا رئیس جمهور ایالات متحده، جنگی به پا کند و صدها هزار نفر کشته شوند، کافی است برای افکار عمومی توجیه کند که خون‌های ریخته شده برای ایجاد رفاه بیشتر مردم آمریکا بوده است. با چنین توجیهی، جنگ و کشتار مردم سایر نقاط جهان، از نظر آمریکایی‌ها قابل قبول است. این ویژگی البته در مورد آمریکایی‌ها از این جهت صدق می‌کند که آنها نیز گرفتار خودبرتربینی حتی نسبت به شهروندان خود هستند و از نظر برخی از آمریکایی‌ها آنها حق بیشتری نسبت به بقیه برای برخورداری از امکانات و بهره‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارند.

در خود آمریکا سفیدپوستان خود را برتر از رنگین‌پوستان می‌دانند. نوع رفتار و برخورد سفیدپوستان و به‌ویژه پلیس این کشور نسبت به شهروندان رنگین‌پوست و سیاهپوست آمریکایی، حاکی از تسلط فرهنگ خودبرتربینی است و از این جهت است که شاهد بروز نارضایتی در قشر وسیعی از جامعه آمریکایی هستیم.

اساسا اعتراض‌هایی که در حال حاضر در ایالات متحده آمریکا رخ داده حکایت از این دارد که شهروندان رنگین‌پوست و سیاهپوست آمریکایی خواهان برابری نژاد و برقراری عدالت در نوع تعامل با همه شهروندان آمریکا و رفع تبعیض هستند. بنابراین سیاست تحقیر و توهین سایر کشورها و ملت‌های ویژگی مشخص دولتمردان آمریکایی است و از این جهت تفاوتی میان ترامپ جمهوریخواه با هیلاری کلینتون و جو بایدن و اوباما‌ی دموکرات وجود ندارد. تنها تفاوت عمده در نحوه برخورد دموکرات‌ها این بود که تلاش می‌کنند کلام و بیان تحقیرآمیز خود نسبت به ملت‌ها و دولت‌های دیگر را در زرورق بپیچند و وارد ادبیات بین‌المللی کنند. با همین شیوه بود که اوباما توانست در مقطعی چین و روسیه را با سیاست تحریم علیه ایران همراه کند.

به‌عبارت دیگر دموکرات‌ها پنجه چدنی خود را در دستکش‌های مخملی پنهان می‌کنند. اما خصوصیت ترامپ این است که رو بازی می‌کند و سیاست‌های غیرانسانی کاخ سفید را بدون هرگونه پوششی در معرض افکار عمومی جهان قرار می‌دهد. وقتی که دموکرات‌ها می‌گویند که حامی ملت ایران‌اند و تلاش می‌کنند دولت جمهوری اسلامی را تضعیف کنند در نقطه مقابل ترامپ می‌گوید ایرانی‌ها تروریست هستند و باید زندگی را آنقدر بر آنها سخت گرفت که علیه دولتمردان خود بشورند.

نمونه این رویه تحقیرآمیز در ملاقات رئیس جمهور صربستان با دونالد ترامپ به تصویر کشیده شد. غیر از نحوه نشستن در این ملاقات رسمی، رئیس جمهور صربستان متنی را امضا کرد که از محتوای آن اطلاعی نداشت. این شیوه‌ای است که سیاست‌ورزان آمریکایی در نحوه مواجهه با دولتمردان سایر کشورها دنبال می‌کنند و کشورهایی که به‌دنبال ارتباط با آمریکا هستند باید خود را برای این‌گونه برخوردهای خفت‌بار آماده کنند.

این می‌تواند درسی برای کسانی باشد که در داخل جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال مذاکره با آمریکا هستند و بدانند که رویارویی با آمریکا اگر از موضع عزت و جایگاه برابر نباشد، به چنین برخوردهایی از سوی مقامات آمریکایی ختم خواهد شد.

تاج در تن - ۵

آداب کرونایی

میثم امیری

نویسنده

خطر آدمی بزرگ است. (محمد غزالی)

شیوه زندگی ما در کرونا به لطف دستگاه‌های ارتباطی به‌سرعت تغییر کرد. ممکن است برخی هنوز با دست غذا بخورند، ولی اگر به هم برسند، انگشت‌های مشت‌شده‌شان را به هم می‌کوبند؛ کرونا جور دیگری از بودن را به ما تحمیل کرد.

دوستی می‌گفت: رفتم رستوران. پیشخدمت با لباس سفید و ماسک و طلق روی ماسک آمد نزدیک. منو را داد. انتخاب کردم. برگشت. رستوران بزرگ بود. هفت هشت نفر دیگر هم آنجا بودند. دمی گذشت. به مدیر رستوران گفتم می‌خواهم چیزی به سفارشم اضافه کنم. مدیر گفت سفارش شما دست کیست؟ برگشتم نگاه کردم به کلونی پیشخدمت‌ها. نتوانستم تشخیص بدهم. شانه بالا انداختم. منتظر ماندم تا پیشخدمتم خودش جلو بیاید. گویی در این دوره، هر اتفاقی می‌افتاد بر خطرهای ما اضافه می‌شود. غزالی، خطر را در معنای «اهمیت» به کار برده بود، ولی اگر با عینکی امروزی بنگریم، اتفاقا در می‌یابیم خطر برای انسان با هیچ‌یک از بهایم و نباتات قابل قیاس نیست. از همین خطرهاست که به قول غزالی ما نیازمند «آداب» یم. در زمانه غزالی این آداب را می‌شد شماره کرد؛ آداب نان و نکاح، آداب سماع و عزلت و...

اما کرونا چطور آداب ما را تغییر داده است؟ مثلا می‌خواهید از خانه‌تان بیایید بیرون. اول باید حواس‌تان باشد تا دو متری شما کسی پرسه نزند. برای این کار، در برخی کشورها نرم‌افزاری طراحی کرده‌اند تا نسبت به حدود دو متر شما حساس باشد. تازه فرض کنید از خانه آمده‌اید بیرون. اول باید حواس‌تان باشد دستگیره‌ها یادکمه آسانسور آلوده نباشد. ویروس می‌تواند چند روزی آنجا جا خوش کند و منتقل شود. فرض می‌کنیم دست‌تان هنوز پاکیزه مانده است. باید تلفن همراه‌تان را از جیب‌تان بیرون بیاورید. به‌یاد نمی‌آورید چه‌وقت آخرین بار صفحه تلفن همراه‌تان را ضدعفونی کرده‌اید. تحقیقات می‌گوید گوشی‌ها ۱۰ برابر بیشتر از توالت‌ها آلوده هستند. تازه فرض کنیم از گوشی پاکیزه و نرم‌افزار کارآمد استفاده کرده‌ایم، چه تضمینی هست کرونا گرفتگان که با نرم‌افزار از باقی مردم متمایز شده‌اند، به واسطه رفتارهای فاصله‌گیرانه ما منزوی یا افسرده نشوند. یعنی از کجا معلوم این تمهیدات تازه بتواند مشکل ما را حل کند؟ ممکن است مشکل من را حل کند، ولی بعید نیست گره‌ای بر گره‌های ما بیفکند و جایی مثل بومرنگ کمانه کند سمت خودمان.

صد سال پیش نیست که مثل گابریل گارسیا مارکز توی «عشق سال‌های وبا» یک پرچم زردرنگ بالای کشتی نصب کنیم تا نشان بدهیم شیوع وبا جدی است و ما بدون بار و خدمه سفر خواهیم کرد. الان نمی‌شود بدون بار و مسافر سفر کرد و البته با بار و مسافر هم نمی‌شود سفر کرد. آن‌چنان این آداب پیچیده شده است که اگر خود غزالی هم زنده شود، کیمیای سعادت را می‌زند زیر بغل و فرار می‌کند.

زیر آسمان کابل

روز سرخ تقویم افغانستان

محمدحسین جعفریان

کارشناس ارشد مسائل افغانستان

سلام! شرح این‌که این ستون چیست و چرا ناگاه از اینجا سر برکرده بماند برای نوبت‌های بعدی. به قول مشهدی‌ها «دم نقدا» بدانید که هفته‌ای یک بار (به شرط حیات) سر و کله من در همین صفحه ذیل همین ستون پیدا خواهد شد و برایتان از افغانستان خواهم گفت. برای آنها که کنجکاوترند، تا نوبت بعدی و شرح ماجرا، همین قدر بگویم که همه چیز به یک قرار و اصرار مرحوم «روح!... رجایی» مهربان بازمی‌گردد. **خدایش رحمت کناد و با صالحین محشور. ان شاءا...**

امروز به تعبیر افغانستانی‌ها «هجده سنبله» [شهریور] است، یکی از روزهای سرخ در تقویم این کشور. ۱۹ سال پیش، یعنی در ۱۸ شهریور ۱۳۸۰، ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه ظهر و یک ساعتی از اذان و اقامه نماز گذشته یا نگذشته بود، احمد شاه مسعود فرمانده اسطوره‌ای مجاهدین، معروف به «شیر دره پنجشیر» در روستای خواجه بهاءالدین استان تخار ترور شد و ۱۵ دقیقه بعد در حالی که پیکر خون‌آلودش را برای انتقال به نزدیک‌ترین بیمارستان در تاجیکستان به سمت بالگرد می‌بردند، در حالی که سرش بر زانوی یکی از صمیمی‌ترین دوستان و پاهایش در آغوش حاج‌عمر، قدیمی‌ترین محافظش بود، شهادتین را به زبان آورد و جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

عملیات پیچیده ترور او، کادوی اختصاصی اسامه بن‌لادن رهبر القاعده به ملاعمر، رهبر طالبان بود. نوعی قدرشناسی از طالبان به خاطر حمایت از بن‌لادن و حفظ او در خاک افغانستان با وجود تهدیدات و حملات پیاپی آمریکا و اصرار بر اخراج وی. عملیات ترور توسط دو تونسی الاصل عضو القاعده انجام شد. آنها مقیم بلژیک بودند و با گذرنامه بلژیکی به پاکستان و سپس قندهار آمدند و ماه‌ها برای این منظور آموزش دیدند و تربیت شدند. عبدالستار دهمن و بوراوی الاوهایر، یکی کارگر رستوران در بروکسل بود و دیگری محصل دوره‌های آموزشی قبل از ورود به دانشگاه در شهری کوچک، نزدیک مرز فرانسه و بلژیک.

در این مجال کوتاه قصد ندارم ماجرای ترور او را موشکافی کنم، اما فهمیدن این‌که حذف مسعود آرزوی همزمان پاکستان، سعودی‌ها، طالبان و حتی دشمنان ظاهری طالبان یعنی آمریکا و انگلستان بود، سخت نیست. به شهادت رساندن او در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱، یعنی دو روز قبل از ماجرای ۱۱ سپتامبر، گویای حقایق بسیاری است. آمریکایی‌ها از پروژه القاعده برای ترور مسعود مطلع شده بودند، اما خوب می‌دانستند با وجود مسعود قادر به اشغال افغانستان نیستند. در آخرین ملاقات میان مسعود و رابین رافائل، معاون وزیرخارجه وقت آمریکا، او به مسعود گفت، طالبان بیشتر از ۹۰ درصد کشور را در دست دارد. بهتر است اسلحه را زمین بگذارید و تسلیم شوید! اما مسعود با عصبانیت کلاهش را روی میز می‌اندازد و می‌گوید: اگر به قدر همین کلاه خاک در اختیار داشته باشم، در آن سنگر می‌سازم و علیه طالبان می‌جنگم. ترور مسعود آن‌قدر پیچیده بود که هر تازه‌کاری می‌تواند در باد کار یک گروه و یک کشور نبود. بسیاری از شما که این سطور را می‌خوانید، شایعاتی را نیز در مورد او شنیده‌اید. گروهی که ذکرشان رفت، جسم او را ترور کردند و گروهی نیز دانسته یا ندانسته در پی ترور شخصیت او برآمده‌اند.

البته او معصوم نبود و نظیر تمام رهبران مجاهدان اشتباه‌هایی نیز داشت. اما اگر از من که در آن سرزمین پیر شده‌ام و در آخرین روزهای حیات مسعود، یک ماهی را جهت ساخت سریال مستند «حماسه ناتمام» [یا شیر دره پنجشیر] در کنارش گذراندم می‌شنوید؛ دنیای ما برای انسان‌های صادق، مکان مخوف و بی‌رحمی است. حتی اسطوره‌ها نیز لزوما صادق نیستند، اما احمد شاه مسعود یک اسطوره نادر و صادق بود. یادش گرامی باد.